

عوامل استحکام خانواده در فرهنگ قرآنی

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

عوامل یا مربوط به اصل ماهیت خانواده است، و یا مربوط به عوامل زمینه ای. و یا مربوط به مسائلی در جامعه که خانواده با آن رو به روست. و یا در نهایت مربوط به عوامل کاملاً فردی بین زن و شوهر یا هر کدام آنها است.

الف - تمایل و کشش طبیعی

اگر در موجودات زنده عاملی طبیعی و درونی وجود نمی داشت که آنها را به سوی جنس میل دهد و اگر عمل تولید مثل برای آنها لذت بخش نمی بود با سرعت هر چه بیشتر نسل موجودات زنده منقرض می شد و این حکمت الهی است که موجودات زنده، بخصوص حیوانات را که حرکت ارادی دارند، دارای کشش درونی برای تولید مثل قرار داده و قانون زوجیت را بر سیستم حیات جاری ساخته است.

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء / 7)

«مگر در زمین ننگریسته اند که چقدر در آن از هر گونه جفت های زیبا رویانیدیم؟»

این نیاز به صورت تماس جنسی در حیوانات، و گرده افشانی و تلقیح در گیاهان، سبب تولید مثل و به بارنشستن می شود.

در انسان مانند دیگر موجودات زنده، جفت یابی نیازی جدی است. نه تنها برای ادامه نسل که برای تأمین بخش های عاطفی و اجتماعی زندگی .

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل / 72)

«و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا (باز هم) به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟»

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»
(بقره/ 223)

«زنان شما کشتزار شما هستند، پس از هر جا (هر گونه) که خواهید به کشتزار خود (در) آید، و برای (آخرت) خودتان (توشه) از پیش بفرستید. و تقوای الهی پیشه کنید، و بدانید که شما خدا را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت بده.»

این نیاز آن قدر در انسان شدید است که اگر مانعی بر سر راه ارضای طبیعی آن قرار بگیرد انسان به هر قیمت ممکن تلاش می کند آن مانع را برطرف کند، و حتی اگر بطور موقت هم مانعی وجود داشته باشد برای انسان سنگین تمام می شود.

«أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَّامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ...» (بقره/187)

«در شب های روزه هم خوابگی با زنان با شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می داندست که شما با خودتان ناراستی می کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس اکنون (در شب های ماه رمضان می توانید) با آنان هم خوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید.»

در آغاز مسلمانان حق غذا خوردن در شب های ماه رمضان را نداشتند، اگر قبل از افطار خوابشان می برد تا شب دیگر گرسنه می ماندند، و نیز حق همبستر شدن در شب های ماه رمضان نداشتند. این آیه با به رسمیت شناختن این نیاز این ممنوعیت را بر می دارد، زیرا ممکن بود تعداد بسیاری از مسلمانان به خود خیانت کرده و مرتکب کار حرام شوند. تنها موردی که لحن قوانین حقوقی قرآن شدت یافته، مواردی است که زن، بدون دلیل موجه از این تعهد شانه خالی کرده و به نیاز طبیعی مرد پاسخ ندهد. نشوز و تمرد از پاسخگویی به نیاز جنسی فقط در مورد زنان نیست، شوهران هم اگر ناشز باشند، مورد بازخواست قرار می گیرند، و باید به توافقی منطقی برسند.

«وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أَحْضِرَتْ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/ 128)

«و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند؛ که سازش بهتر است. و (لی) بخل (و بی گذشت بودن)، در نفوس، حضور (و غلبه) دارد؛ و اگر نیکی کند و پرهیزگاری پیشه نماید، قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

دین که بر اساس کتاب تشریع است، مطابق با کتاب تکوین این نیاز را به رسمیت شناخته است، اما از آنجایی که کشش های انسان صرفاً غریزی نیست، شبه غریزی است، دین کیفیت ارضا و محدودیت های آن را بیان کرده است تا انسان را از میان حیوانات بیرون بیاورد.

ب - نیاز عاطفی و روحی

علاوه بر گرایش جنسی و غریزی مرد به زن و زن به مرد، باید از عامل دیگری یاد کرد که فراتر از تمایل جنسی است و می توان از آن به عنوان نیاز عاطفی و روحی یاد کرد.

انسان که جویای انس و الفت است و در سایه محیط جمعی احساس آرامش روانی دارد، این احساس را به شکل کامل تری در محیط خانواده و در پرتو حضور و الفت همسر تجربه می کند.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف / 189)

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم / 21)

از این کاربردها به خوبی به دست می آید که معنای آرامش همان چیزی است که انسان پس از اضطراب، خستگی و نگرانی و یا امنیت پس از خوف و ترس به دست بیاورد. انسان پس از روزی پرکار، دلهره و صرف انرژی، شب را دارد که در آن استراحت می کند و این تاریکی آرامش شبانه، بار دیگر نیرو می یابد تا روزی دیگر را با امید و نیرو آغاز کند. انسان در میان تلاش و تنهایی، نگرانی و نیاز، خشونت و دلهره های زندگی، کسی را با عواطفی زیبا و ژرف دارد که مانند آبی بر آتش، خستگی، دلهره، نگرانی و اضطراب های او را فرو می نشاند. هر گاه همسران این نقش خود را به یاد داشته باشند، خانواده مستحکم باقی خواهد ماند و راه خویش را به سعادت و خوشبختی ادامه خواهد داد.

شایان توجه است که قرآن آرامش روانی را برای مردان بیان می کند. مخاطب ظاهراً مردان هستند - هر چند در قرآن وقتی مخاطب هم زنان و هم مردانند، باز هم فعل به لفظ مذکر می آید - اما در این مورد ممکن است که مذكر آمدن واژه به این دلیل باشد که:

1- خطاب این مطالب به مردان است تا توجه کنند که زنانشان امانت الهی هستند و سبب آرامش روانی ایشانند، و شفقت با آنها نجات از عذاب خداوند و رسیدن به بهشت الهی را در پی دارد.

2- ممکن است آیه اشعار به این معنا داشته باشد که زنان بیشتر از مردان از این هنر برخوردار هستند که همسرانشان را به آرامش روحی برسانند.

«برخی از دلایل نشان می دهد مردان ازدواج نکرده نسبت به زنان ازدواج نکرده کمتر احساس خوشبختی می کنند، و این می رساند که فائده ازدواج برای مردان بیشتر است تا برای زنان.» (1)

آرامش روانی سبب می شود که شخص از بیماری روانی رنج نبرد، و این در افراد ازدواج کرده بیشتر وجود دارد؛ «درصد احتمال این که افراد ازدواج کرده به بیماری عقلی و روانی مبتلا شوند کمتر است، به نسبت افراد ازدواج نکرده، مردانی که از زنانشان جدا شده یا زنانی که طلاق گرفته اند یا شوهرشان فوت کرده است.» (3)

ج - کنترل تمایلات جنسی و جهت دهی آن به سمت نظام همسری

نگاه نداشتن چشم و دل از نامحرم، کمترین اثرش این است که هر روز هوس تازه ای به سر بیننده راه می یابد؛

دلدادن به صورت های زیباتر از همسر، همسر را در نظر مرد تکراری و نازیبا جلوه می دهد، از یکسو زمینه روابط آزاد و نامشروع را فراهم می آورد و از سوی دیگر بنیان خانواده را متزلزل می سازد. همین مسأله خانواده را در غرب تهدید کرده است؛ آزادی جنسی در اثر آزادی روابط، نه تنها تماس جنسی پیش از ازدواج را ترویج کرده و سبب به عقب افتادن ازدواج یا بی میلی به آن می شود، بلکه زنان و مردان متأهل را نیز تشویق به بی بند و باری می کند؛ و سبب گسترش هوس بازی و در نتیجه طلاق می شود.

گسترش تماس جنسی پیش از ازدواج یکی از عوامل ویرانی بنیاد اصل خانواده است. اگر مردم پیش از ازدواج به آسانی بتوانند با جنس مقابل تماس جنسی داشته باشند، دیگر انگیزه تشکیل خانواده به عنوان نیازی ضروری و عاجل او را به سوی تشکیل خانواده نخواهد کشاند. متأسفانه یکی از آثار شوم فرهنگ الحادی و جامعه سکولار تماس جنسی بدون ازدواج است که خانواده را از ریشه تهدید می کند.

این اظهارات یک مورّخ اجتماعی است:

«کاهش نفوذ مذهب و شاید آزادی های جنسی منجر به افزایش تعداد زوج هایی شد که با هم زندگی می کردند و حتی دارای فرزند می شدند، بدون این که به عقد قانونی یکدیگر درآیند. خانواده، مانند جامعه بورژوازی گذشته، دیگر یک واحد کاری که بر مبنای تقسیم کار بین شوهر نان آور و همسر خانه دار ایجاد شده باشد نبود. این امر بویژه در کشورهای که به سبب شرایط اقتصادی یا نفوذ مذهب، خانواده همچنان مرکز زندگی بود، سرآغاز تجدید ساختاری اساسی در جامعه اروپا به شمار می رفت. البته در سایر مناطق اروپا چنین وضعیتی کمتر وجود داشت.»

(4)

اسلام به عنوان دینی که ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی زندگی انسان را مورد توجه جدّی خود قرار داده است، به این مسأله نیز عنایت داشته که می بایست با تدابیری راه تحکیم بنیاد خانواده و اساساً تشکیل خانواده را تسهیل و هموار کرده و راه های انحرافی را سدّ کند. اسلام این ایده و ارزش را از دو راه دنبال کرده است:

1- وضع قوانین خاص اجتماعی برای روابط زن و مرد؛

2- هشدارهای اخلاقی اعتقادی و تربیت نفوس و تقویت نیروی شناخت و اراده و تقوا در آنان.

این دو عامل که به صورت قوی و نیرومند در آموزه ها و دستورهای اسلام آمده است، سبب می شود که شخص برای تأمین صحیح و سالم نیازهای شبه غریزی خویش تلاش کند و مقدمات تشکیل خانواده را فراهم کند. چه این که تخلف از مرزهای عفاف کیفر شدید الهی را در پی خواهد داشت.

در قرآن این موضوع تحت عناوین و رهنمودها و توصیه های خاصّی ارائه شده است که با وجود تفاوت لحن و بیان، در مجموع ایده و هدف مشترکی را دنبال می کند، از آن جمله:

1- ضرورت حفظ عفاف و پرهیز از حریم شکنی

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ.... وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون/ 1 و 5-7)

«براستی که مؤمنان رستگار شدند، و همانان که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده

اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد در گذرندگانند.»

2- بهره گیری از حجاب و عفاف برای حفظ تعادل و تمایل سالم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (نور / 30-31)

«و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو ببندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را برگردن خود آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش (فرو) اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که (از زن) بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را (به گونه ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی (از مرد و زن) به درگاه خدا توبه کنید، تا رستگار شوید.»

مسأله عفاف آنقدر در اسلام مهم است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) هنگام بیعت گرفتن از زنان مسلمان، مسأله عفت را به عنوان یکی از مواد بیعت قرار می داد.

3- پاکدامنی از تعهدات اصلی و مهم پیمان دینی

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذْ جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئاً وَ لَا يَسْرِقْنَ وَ لَا يَزْنِينَ وَ لَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَ لَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ بَيْنَ أُيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه / 12)

«ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که (با این شرط) با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان (و حيله) به شوهر نبندند، و در (کار) نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.»

از آنجایی که مؤمنان، باید خانواده‌ای پاک و طاهر داشته باشند، و زنان و مردان پاک، با پاکان ازدواج می کنند.

4- اهمیت انتخاب همسر پاکدامن

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور / 26)

«زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک، اینان از آنچه درباره شان می گویند بر کنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.»

5- ممنوعیت همسری با روسپیان و آلوده دامنان

«الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور / 3)

«مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار، جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و بر مؤمنان این (گونه ازدواج) حرام گردیده است.»

د- گرمابخشی به روابط همسران از طریق اعطای محبت و مودت ویژه به آنان

قرآن از مودت به عنوان نعمت الهی یاد می کند که بین زن و مرد برقرار می شود: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً» (روم / 21)

محبت می تواند خانواده را از خطر اضمحلال حفظ کند، دوستی به این معنی است که طرفین نمی خواهند محبوب خود را از دست بدهند، دوری محبوب دشوار و تلخ است. خداوند می فرماید دوستی را در اساس خلقت زن و مرد قرار داده ایم. پس هر چیزی که محبت را کم کند، خانواده را تهدید می کند، بخصوص با آسان تر شدن طلاق.

محبت یکی از اساسی ترین نیازهای انسان است، بدون محبت انسان نمی تواند شخصیت سالم و متعادل داشته باشد. درست در زمانی که زن مانند کالایی خرید و فروش می شد، به ارث گذاشته یا تعویض می شد قرآن آمد و مهمترین مسأله را در خانواده محبت قرار داد. به زن شخصیت انسانی بخشید، و سپس ازدواج را از شکل تصاحب زن به قالب ازدواج درآورد؛ یعنی زوجیت، فردی دو تا می شود. و محبت در این میان به عنوان یک فاکتور مهم در زندگی زناشویی مطرح شد.

در روان شناسی جدید محبت جایگاه ویژه ای دارد؛ در نظریه مزلو، محبت در سلسله نیازهای اساسی قرار دارد.

ه - تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش اخروی

انسان بلکه موجود زنده به طور طبیعی و غریزی نسبت به همسر و جفت خویش احساس لطفی دارد که در مورد انسان اوج آن و آگاهانه آن را تحت عنوان محبت، شفقت و رحمت می‌توان مشاهده کرد.

اما اسلام علاوه بر تأیید این روحیه، از طریق ظرفیت‌های اعتقادی و ایمانی، در صدد تقویت آن برآمده است. قرآن شفقت نسبت به خانواده را از خصوصیات اهل بهشت می‌داند. این تصویر زیبا را ببینید، بهشتیان غرق نعمات الهی و لذت‌های جاودانه و بی نقص بهشتی با هم گفت و گو می‌کنند، از این که چطور شد به بهشت آمدند، می‌گویند، ما پیش از این در دنیا با خانواده خویش مشفق بودیم:

«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ. فَمَنْ اللَّهَ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ. إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ» (طور / 26-28)

«ما پیش از این در میان خانواده خودمان با شفقت بودیم. پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب جهنم نگاهداشت.»

و- تحکیم تکوینی خانواده از طریق فرزند و تحکیم مضاعف آن از طریق حقوق و قوانین الهی

فرزند چون وجود مشترک پدر و مادر را در خود دارد، و سرنوشت او برای هر دو مهم است، سبب می‌شود که پدر و مادر با توجه به وجود او، برخی از ناملایمات را تحمل کرده و زود تصمیم به جدایی و فروپاشی خانواده خویش نشوند.

در قرآن کریم به این نیاز انسان بارها و بارها اشاره شده است. گاه به صورت عادی و گاه به صورت ذکر نعمت الهی. یکی از این موارد، آن جا است که زکریا (علیه السلام) دعا می‌کند:

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ، قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران / 38)

«آن جا بود که زکریا پروردگارش را خواند (و) گفت: «پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی.»

و حضرت ابراهیم (علیه السلام)، که الگوی انسان‌های سالم و کامل قرآنی است، از این که خداوند در پیری، اسحاق و اسماعیل (علیهما السلام) را بدو عنایت کرده است شکرگزاری می‌کند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم / 39)

«سپاس خدای را که با وجود سال خوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید، به راستی پروردگار من شنونده دعا است.»

در مواردی هم خداوند، این پدیده ارزشمند را نعمت بزرگ معرفی می‌کند. (نمل / 72)

خداوند در قبال این که والدین را به گونه ای آفریده که زحمت به دنیا آوردن، بزرگ کردن و مراقبت فرزندان را بر دوش بگیرند، به آنان لذت را عطا کرده است این لذت با بسیاری از لذت های دیگر قابل مقایسه و جا به جایی نیست.

ابراهام هارولد مزلو، از پیشگامان روانشناسی انسان گرا (یا به تعبیر خود او نیروی سوم) که با تولد اولین فرزندش، دیدگاه روانشناختی خود را عوض می کند، می گوید رفتار گرایی (بیهاوریسم) نمی تواند این عواطف را تفسیر کند (5)، یا فرانکل که می گوید از میان کسانی که از بازداشتگاه های نازی رهایی یافته بودند، آنهایی که کسی داشتند که به آن دلخوش باشند راحت تر با زندگی کنار آمدند و رنج ها را فراموش کردند، اما آنهایی که در بیرون کسی منتظر آنان نبود، غالباً به زانو در آمدند، معنای داشتن کسی را که به او دل ببندیم بهتر می فهمد. (6) علاقه به فرزند به عنوان یک نیاز عاطفی در انسان بسیار شدید است، و قرآن در مورد حضرت ابراهیم و حضرت زکریا (علیهم السلام) دعاهای پراحساسی را نسبت به درخواست فرزند مطرح می کند و تجلی اوج دوستی فرزند در داستان یعقوب و یوسف (علیهم السلام) خودش را نشان می دهد. در قرآن کریم ترتیب بیان مطالب معنی دار است، به تلویح این مطلب مورد اشاره قرار گرفته است که علاقه به فرزند، می تواند پرننگتر از علاقه به خواهر و برادر، حتی والدین باشد. در سوره عبس آمده است:

«فَإِذَا جَاءَتْ الصَّاحَّةُ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس / 33-37)

در این آیات از هول عظیم روز قیامت سخن به میان آمده است که در آن روز شخص از برادر خویش (که دست و بازوی اوست) فرار می کند، و از مادر و پدرش (که او را به دنیا آورده، با عشق و محبت و مراقبت بزرگ کرده اند) و از همسر و فرزندان خویش (که در دنیا دلبستگی اصلی او بودند) فرار می کند.

اینکه قرآن از برادر آغاز می کند، سپس به پدر و مادر و سپس به همسر و فرزندان می رسد، به این معنا است که مطابق قاعده ادبی قدم به قدم درجه وابستگی بیشتر شود و تا ترقی از پایین به بالا باشد. این واقعیت در زندگی ملموس است. یعنی این که توجه پدران و مادران به فرزندان خویش بیشتر از توجه به هر کس دیگری است... لذا داشتن فرزند در زندگی می تواند عامل استحکام خانواده و رابطه محکم تری بین پدر و مادرش باشد، به خصوص در دنیایی که تکیه بر محسوس است، فرزند موجودی است که وجود خارجی و ملموس دارد، می تواند خاطر والدین را به خویش معطوف کند و سبب شود که والدین، احساس کنند یک موجود واقعی و محسوس و ملموس آن دو را به هم پیوند می دهد. لذا وجود فرزند، به طور طبیعی و برای انسان های سالم از عوامل مهمی است که شخص را به سوی ازدواج می کشاند:

«یک نظریه جالب درباره علل ازدواج از طرف جامعه شناسی آلمانی مولر لیر در کتاب تحول ازدواج در دوران معاصر اظهار شده است. وی خاطر نشان می کند سه عامل افراد را به طرف ازدواج کشانیده است که عبارتند از: نیاز اقتصادی، میل به فرزند و عشق» (7)

«در خانواده امروز امریکا طلاق نسبتاً فراوان است. قسمت اعظم طلاق ها بین زوج هایی صورت می گیرد که تنها مدت کمی است ازدواج کرده اند. گذشته از این در امریکا بیش از نیمی از زنان و شوهرانی که طلاق می گیرند و یا طلاق می دهند از داشتن فرزند محروم هستند. بر طبق آماری که اداره بیمه زندگی متروپولیتن منتشر ساخته است حد متوسط طلاق بین زوج های بی فرزند 15/3 در هزار خانواده است. در میان خانواده هایی که یک فرزند دارند 11/6 در هزار و در میان خانواده هایی که دو فرزند دارند 7/6 در هزار و در میان خانواده هایی که بیش از

سه فرزند دارند 4/6 در هزار است و بطور کلی 85 درصد طلاق ها برای زوج هایی جاری می شود که فرزندان ندارند و یا این که فقط صاحب یک فرزند هستند.» (8)

ز - مسدود ساختن راه های انحراف جنسی، به منظور تحکیم روابط همسری

همجنس گرایی یا لواط، که در نظام طبیعت - جز انسان - دیده نشده است و این حکایت از غیرطبیعی بودن این روشها دارد. این عمل در هر دو طرف انحراف است و کیفر شدید الهی را در پی دارد. قرآن کریم درباره قوم لوط عذاب شدیدی را در دنیا اعمال کرد و در آخرت وعده داده است.

خداوند خطاب به قوم لوط، که آلوده به زشتترین گناه در روابط جنسی بودند، تذکر می دهد که زنان برای شما آفریده شده است، چرا زنان را رها کرده و دنبال مردان می روید، آنان این تذکر را ناشنیده گرفتند. از این آیات بر می آید که همجنس بازان دوره حضرت لوط نیز از تشکیل خانواده با یک زن سرباز می زدند، و این یعنی تأثیر مخرب همجنس بازی بر اساس خانواده. در نهایت هم خداوند آنان را به کیفر سختی دچار می کند.

«أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ. وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ. قَالُوا لَيْنَ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ.... ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ. وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ» (شعراء/ 165-173)

در این آیات همجنس بازی آنان سبب فروگذاری همسرانشان شمرده شده که سبب شده است خانواده از هم بپاشد. و همین گناه بزرگ و عمل خلاف فطرت و مخالفت حکمت زوجیت، سبب فرود آمدن عذاب الهی می شود. در تاریخ اروپا بخصوص پس از جنگ جهانی، فرهنگ لیبرالیستی در نهایت به قانونی شدن همجنس بازی منتهی شد و اثر آن نیز بر کیان خانواده از نظر تاریخ دانان و جامعه شناسان بدور نماند:

«عامل فرهنگی نیز به شکل کاملاً آشکار بر نرخ ازدواج تأثیر می گذاشت. بر روی هم، احتمال ازدواج کردن اروپاییان نسبت به دو قرن پیش بیشتر شده بود، - زیرا لازم نبود منتظر بمانند کارگاه پیشه وری یا مزرعه ای خالی شود - و فرصت اشتغال مناسبی فراهم آید. هر چند علنی تر شدن همجنس بازی به تدریج بر تعداد ازدواجها تأثیر می گذاشت. (9)

ح - تقسیم وظایف حقوقی و اجتماعی میان زن و مرد بر اساس اقتضائات طبیعی

کار زنان در بیرون از خانه چند جنبه دارد:

کوچک و حقیر شدن خانه داری، فرزند داری و شوهر داری از نظر زن.

متکی شدن به خود، استقلال اقتصادی زن، و جرأت اقدام به درخواست طلاق.

بی حوصله شدن در کارهای ضروری مادرانه و همسران در منزل و حتی در صورتی که به این کارها بخواهد تن

بدهد، و در نتیجه از عهده دادن محبت مادرانه به فرزند و محبت کافی متقابل بین زن و شوهر بر نخواهد آمد. کار زنان در بیرون از خانه سبب خواهد شد که زنان و مردان اجنبی در بیرون از خانه با زنان و مردان فراوان دیگر برخورد داشته و همسران خود را با آنان مقایسه کنند و در موارد فراوانی آرزو کنند که کاش این زن یا مرد به جای همسر من بود.... و مواردی که گفتگوها و شوخی های جنسی کشیده شود نیز کم نخواهد بود، بخصوص اگر حضور زنان بدون رعایت ضوابط اخلاقی و دینی، همراه با جلوه گری و آرایشهای زنانه باشد. اگر به خیانت نیانجامد، سبب نارضایتی از وضعیت خانوادگی خود خواهد شد، که خود عامل مهمی در سردی روابط و یا فروپاشی آن خواهد شد.

«نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه‌ای تقریباً دو برابر این نسبت در میان جمعیت زنان به طور کلی، بالغ می‌شود. با توجه به گروه بندی اجتماعی - شغلی شوهرها، هر چه که باشد، معلوم می‌شود که نرخ طلاق برای زوجهایی که زن نیز شاغل است به مراتب از آنهایی که زن دارای شغل نیست فراتر می‌رود. نسبت (نرخ طلاق در گروه) اول به طور متوسط به چهار برابر (این نرخ در گروه) دوم بالغ می‌گردد» (10)

«امروزه افزایش زنان شاغل در طبقه متوسط (همان طبقه ای که در گذشته زنان آن به طور سنتی فاقد «شغل رسمی و درآمدی مستقل» تلقی می شدند) پدیده‌ای عمده و نوین است که به بروز تغییراتی مهم در نقش های زن‌شویی و فرزند داری منجر شده است. زنان در تمام سطوح، و به ویژه از نظر اقتصادی، استقلال بیشتری یافته اند؛ نتیجه این که در صورت جدایی زن و شوهر، زن مطلقه از استقلال نسبی برخوردار خواهد بود. پی‌آمد چنین وضعی همانا افزایش در تعداد زنان متقاضی طلاق بوده است.» (11)

خداوند حکیم که وظیفه مادری را به طور تکوینی و تشریعی بر عهده زن گذاشته است این حق را هم به او داده است که به فکر معاش نباشد، مخارج خوراک و پوشاک و نیازهای زندگی او را برعهده مرد گذاشته است:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / 233)

اسلام با کار زن در بیرون از خانه در صورت نیاز، مخالفتی ندارد، در شرایطی حتی کار زن در بیرون از خانه می‌تواند سبب استحکام یک خانواده شود. اما در اروپا مسایل فرهنگی، مانند آزادی جنسی، همجنس بازی، مسأله مد و لباس و... نیز دست به دست هم دادند و سبب شدند که کار زنان عاملی برای طلاق و شکست ازدواج ها شود.

پی نوشت‌ها:

1- مایکل ارجایل (Mishael argyle) سیکولوجیة السعادة (روان‌شناسی خوشبختی)، ترجمه د. فیصل عبدالقادر یونس، (سلسله کتابهای عالم المعرفة شماره 1414) 175 ق، يوليو 30 / 1993.

2- سیکلو لوجیة السعادة، / 42

3- فرانک ب. تاپسون و رابرت آلدريج، تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، ترجمه کریم پیرحیاتی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1375 / 230

4- دوآن شولتس، روان‌شناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نشر نو، 109 / 1369. «سرانجام رویدادی کاملاً شخصی، یعنی تولد نخستین فرزندش، باعث شد اعتقادش به رفتارگرایی کاملاً واژگون

شود، مزلو این تجربه را این چنین توصیف می‌کند: «صاعقه‌ای که هر چیزی را در جای خود نهاد»، «می‌گویم کسی که فرزند داشته باشد، نمی‌تواند رفتارگرا باشد.» او از راز زندگی و همچنین از نداشتن تسلط موعود رفتارگرایی بر زندگی، بیمناک بود.»

5- ویکتور فرانکل، انسان در جستجوی معنی، ترجمه دکتر علی اکبر معارفی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، فصل اول.

6- ساموئیل کنیگ، جامعه شناسی، ترجمه مشفق همدانی، چاپ ششم، تهران، کتابهای سیمرغ، 1355. / 151
7- همان. / 166.

8- تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، / 211.

9- مارتین سگالن، جامعه‌شناسی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، 1370. / 181
10- همان.